

محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت‌وگو با «ایران»:

ادعای اختلاف دولت و نیروهای نظامی واقعیت نداشت

دولت از عهده مدیریت لجستیکی جنگ ۱۲ روزه و رمضان به نحو شایسته‌ای برآمده است



• گفت‌وگو •

مهرابه خوارزمی | گروه سیاسی - جنگ، تنها در میدان نبرد تعیین تکلیف نمی‌شود؛ پشت‌خطوط مقدم، شبکه‌ای از تصمیم‌های اقتصادی، بودجه‌ای، لجستیکی و اجرایی قرار دارد که می‌تواند توان ایستادگی یک کشور را تقویت یا تضعیف کند. دولت چهاردهم در حالی دومین سال فعالیت خود را پشت‌سر گذاشت که در این مدت، ابتدا جنگ ۱۲ روزه و سپس جنگ تمام‌عیار رمضان را تجربه کرد؛ شرایطی که آزمونی کم‌سابقه برای هماهنگی میان دولت، مجلس و نیروهای مسلح بود. در چنین وضعیتی، نحوه تأمین منابع مالی، تخصیص به‌موقع اعتبارات، استفاده از ظرفیت‌های نفتی و زیرساختی کشور و پشتیبانی از نیروهای مسلح، بخشی از مسئولیت‌هایی بود که در کنار مدیریت امور جاری کشور بردوش دولت قرار گرفت. محسن زنگنه، نماینده مجلس و عضو کمیسیون برنامه و بودجه، در گفت‌وگو با «ایران» عملکرد دولت در این عرصه را قابل قبول ارزیابی می‌کند و از تصمیم دولت برای مستثنی کردن نیروهای مسلح از پرداخت یکت‌وازدهی بودجه و اولویت دادن به تأمین نیازهای آنان سخن می‌گوید. او در عین حال، از ضرورت بازسازی مراکز نظامی و پدافندی آسیب‌دیده و تقویت معیشت نیروهای مسلح می‌گوید و تأکید دارد که برخلاف برخی ادعاها، در جریان جنگ، میان دولت و نیروهای نظامی شکاف یا اختلاف راهبردی وجود نداشته است. زنگنه همچنین رمز موفقیت کشور در این شرایط را در «هماهنگی، همدلی و وحدت» میان ارکان مختلف حاکمیت می‌داند.

دولت چهاردهم در دو سال اول مسئولیت خود با جنگ ۱۲ روزه و سپس جنگ تمام‌عیار رمضان مواجه‌شد. عملکرد دولت را از حیث مدیریت اجرایی جنگ و نوع حمایت از نیروهای مسلح چگونه دیدید و تا چه حد موفق ارزیابی می‌کنید؟

در کلیت امر، دولت به‌عنوان قوه اجرایی، به معنای واقعی کلمه مدیریت لجستیکی جنگ را در هر دو مقطع بر عهده داشته و به باور من، از عهده این مسئولیت پشتیبانی به نحو شایسته‌ای برآمده است.

از نظر تأمین منابع مالی می‌دانیم که بودجه دستگاه‌ها و نهادهای مختلف به صورت یک دوازدهم پرداخت می‌شود. بنابراین، یکی از تصمیمات بهنگام دولت، بویژه در مواجهه با جنگ رمضان، این بود که نیروهای مسلح را از این قاعده مستثنی و با وجود همه محدودیت‌ها، ردیف‌های بودجه‌ای نیروهای مسلح را به‌موقع تأمین و پرداخت دوم، در مورد تخصیص منابع

نفتی بود. می‌دانید که بخشی از بودجه از محل منابع نهاتری تأمین می‌شود؛ یعنی در بودجه رقم مشخصی نیست، بلکه مقدار مشخصی از نفت استحصال‌شده تعیین می‌شود و به آن میزان پرداخت می‌کنیم. در حوزه‌های مختلف، از حوزه راه و شهرسازی تا تأمین بودجه نظامی، با اجازه‌امام شهید‌مان به همین ترتیب عمل می‌شود. در اینجا نیز نیروهای نظامی را برای تهاثر نفت و تأمین بخشی از مایحتاج آنها در اولویت قرار دادیم.

حمایت لجستیکی دیگر دولت از نیروهای مسلح، در اختیار قرار دادن همه امکانات کشور، بویژه در حوزه‌های جاده‌ای و ریلی بود؛ به‌نحوی که در استان‌هایی که حجم بیشتری از درگیری وجود داشت، بویژه استان‌های جنوبی، دولت به نیروهای نظامی در بخش‌های مختلف برای استفاده از امکانات و زیرساخت‌ها حق تقدم داد.

رویکرد حمایتی دولت پس از

امضای تقاضنامه و در وضعیت

آتش‌پس متزلزل‌گی که جریان داشت، به چه ترتیب بود؟

در این دوره، اگرچه درگیری به نحوی جریان داشت و به‌طور مشخص نیروهای نظامی ما در حوزه دریایی برای پاسداری و صیانت از حق حاکمیتی ایران و تأمین امنیت تنگه هرمز هوشیار و فعال بودند، اما بحث مهمی که در دستور کار قرار داشت، بازسازی و بازآرایی نظامی، بویژه در مورد مراکز پدافندی و راداری نیروهای نظامی بود. علاوه براین، در این مدت هم در مجلس و هم در دولت این تلاش مشترک انجام شده است که بتوانیم معیشت نیروهای نظامی و خانواده‌هایشان را بهبود بدهیم. هرچند واقعاً در این زمینه مجموعه حاکمیت سرمشده است، چون نتوانستیم منابع زیادی اختصاص بدهیم، اما تلاش کردیم در حد امکانات، از نگرانی‌های امکانات و زیرساخت‌ها حق تقدم داد.

رویکرد حمایتی دولت پس از

امضای تقاضنامه و در وضعیت

هم‌افزایی دولت و نیروهای مسلح؛ سرمایه راهبردی امنیت ملی

حمایت‌های گسترده قدرت‌های فرمانطقه‌ای برخوردارند. طبیعی است که ایجاد توازن در برابر چنین ظرفیتی، نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه دفاعی، بویژه در بخش پدافند هوایی، تجهیزات پیشرفته و نوسازی زیرساخت‌های دفاعی است. حفاظت از آسمان کشور و جلوگیری از هرگونه تعرض هوایی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌هایی است که باید در برنامه‌ریزی‌های آینده مورد توجه قرار گیرد.

اما در کنار حمایت از میدان، دولت وظیفه مهم دیگری نیز بر عهده داشت؛ حفظ آرامش اقتصادی و تأمین نیازهای روزمره مردم. تجربه جنگ نشان داد که مدیریت موفق بحران، تنها به اداره جبهه نظامی محدود نمی‌شود. تأمین کالاهای اساسی، سوخت، بنزین، نان و استمرار خدمات عمومی، از جمله اقداماتی بود که مانع از شکل‌گیری بحران در زندگی روزمره مردم شد. هرچند فشار تورم و گرانی همچنان یکی ازغدغه‌های جدی جامعه است، اما کشور در زمینه تأمین نیازهای اساسی با کمبود فراگیر مواجه نشد و این موضوع نتیجه هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و مدیریت مناسب منابع در شرایط جنگی بود.

نکته مهم دیگر، فضای همدلی و هماهنگی میان دولت و نیروهای مسلح است. برخلاف برخی فضا سازی‌ها، در این مقطع هیچ‌گونه اختلاف یا تعارضی میان دولت، نیروهای مسلح و سایر ارکان نظام مشاهده نشد. آنچه در عمل دیده شد، وحدت، انسجام و همکاری کامل برای تأمین منابع ملی و اجرای رهنمودهای رهبر انقلاب بود. این همدلی، یکی از مهم‌ترین عوامل عبور موفق کشور از شرایط بحرانی به شمار می‌رود. البته این تجربه، مسئولیت‌های آینده را نیز روشن‌تر می‌کند. اگرچه دولت در حد امکانات موجود از نیروهای مسلح حمایت کرده است، اما شرایط جدید اقتضا می‌کند که دولت و مجلس با نگاهی واقع‌بینانه، منابع بیشتری را برای بازسازی خسارت‌ها، تقویت توان دفاعی و ارتقای سامانه‌های پدافندی اختصاص دهند. در کنار آن، حمایت از معیشت مردم، کنترل تورم، جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، تقویت کالابرگ الکترونیکی و افزایش قدرت خرید خانوارها نیز باید همزمان در دستورکار باشد؛ زیرا امنیت ملی تنها با اقتدار نظامی تأمین نمی‌شود، بلکه پشتوانه اجتماعی و رضایت عمومی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از آن است.

تجربه دو جنگ اخیر نشان داد که هرگاه میدان، دولت و مردم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، دشمن در دستیابی به اهداف خود ناکام مانده است. حفظ این هم‌افزایی، تقویت توان دفاعی و استمرار حمایت از معیشت مردم، سه ضلع اصلی راهبردی است که می‌تواند امنیت، ثبات و اقتدار جمهوری اسلامی ایران را در برابر تهدیدهای آینده تضمین کند.

سیاسی و تصمیم‌سازی و اجرایی جدا کرده و اختلاف ایجاد کنند؛ مثلاً گاهی ادعا کردند که اینجا دولت یا دستگاه‌های سیاسی مخالف بودند و آنجا موافق بودند، یا یک اقدامی خلاف نظر دولت یا دیگر نهادهای سیاسی انجام شده است. اما واقعاً من با اطلاع عرض می‌کنم که این‌طور نبوده است. البته بحث‌های کارشناسی همه‌جا هست، ولی الحمدلله تصمیماتی که نیروهای نظامی گرفتند، تمام‌قد هم مجلس و هم دولت از آن حمایت کردند.

اگر اشتباه نکنم، شما جایی گفته بودید که با شهید سید عبد الرحیم موسوی، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح، هربار که جلسه داشتید، ایشان از حمایت دولت صحبت می‌کردند. صحبت‌های ایشان مبتنی بر چه بود و چه نوع حمایت‌هایی را مطرح می‌کردند؟

بعد از جنگ ۱۲ روزه، بحث‌ها و ادعاها بی‌طرح شد مبنی بر اینکه مثلاً نیروهای نظامی قصد داشتند اقداماتی انجام بدهند یا حتی جنگ را ادامه بدهند، یا جاهایی تصمیماتی گرفتند که دولت همراهی نکرده و نیروهای نظامی مجبور شدند به تصمیم سیاست‌پو تن بدهند و حمایت‌های لازم انجام نشده است. در جلسه‌ای که شهید موسوی در صحن مجلس آمدند، که البته به‌صورت غیرعلنی بود، این مسائل و ادعاها مطرح شد. آنجا هم آقای عراقچی عنوان کردند که ما کاملاً هماهنگ با نیروهای نظامی هستیم. امیر موسوی هم وقتی پشت تریبون رفتند، چون اعتراضاتی نسبت به این قضیه انجام شد، آنجا تأکید کردند که ما کاملاً داریم هماهنگ عمل می‌کنیم.

حتی آنجا، بعد از جنگ ۱۲ روزه گفتند که ما بر اساس اطلاعاتی که داریم، رخ دادن مجدد جنگ را قطعی می‌دانیم. ایشان گفتند با وجود قطعی بودن شروع مجدد جنگ، دستگاه دیپلماسی برای ما دارد وقت می‌گیرد و هریک روز وقتی که کارشناسان با یک فرقی آن‌را نظر ما نظامی‌ها بگیرد، به اندازه چند ماه دست ما را باز می‌کند که بتوانیم لجستیکی خودمان را در حوزه پدافند و موشکی تقویت کنیم.

در جلسه خصوصی هم که من و تنی چند از دیگر نمایندگان برای بحث بودجه با ایشان داشتیم، من آنجا این موضوع را مطرح کردم که بالاخره این شبهه خیلی شدید است که می‌گویند دولت همراهی نمی‌کند. همان‌طور که، در آن ویدیو هم منتشر شده و گفته‌ام، در آنجا شهید موسوی فرمودند: «من شهادت می‌دهم که در همه جلسات

شورای عالی امنیت ملی اصلاً بحث‌های اصلی را ما نظامی‌ها می‌کنیم. بین ستاد مشترک، سپاه و ارتش تبادل نظر می‌شود و در نهایت به تصمیمی که می‌رسیم، آقای رئیس‌جمهوری جمع‌بندی می‌کنند و همان نظر ما را به‌عنوان مصوبه جلسه به معاونین‌شان، مخصوصاً سازمان برنامه که متکفل بحث بودجه است، دستور می‌دهند که این مسائل انجام شود.»

یکی از موضوعاتی که حتماً در همه مسائل و بویژه در وضعیت جنگی اهمیت پیدا می‌کند، انسجام میان ارکان مختلف جامعه و حاکمیت است. آیا از این حیث، فارغ از وجه شاعری، آن انسجام لازم میان دولت و دیگر ارکان حاکمیت وجود داشته است؟

علت اینکه ما نتوانستیم واقعاً در این جنگ، که به نظر من، با اطلاع عرض می‌کنم. در جنگی که فائورانه‌ترین، پرهزینه‌ترین و پیشرفته‌ترین جنگ بود موفق باشیم، همین انسجام و هماهنگی بود. این جنگ در مقیاس جغرافیایی درگیر، هشت تا ۹ کشور را دربرمی‌گرفت و در مقیاس جغرافیایی نیز وسعتش خیلی زیاد بود. حداقل ۱۰۰ سال اخیر چنین جنگی واقع نشده بود. حتی جنگ اعراب و اسرائیل نهایتاً این بود که مثلاً پنج، شش کشور را شامل می‌شد و چنین وسعت جغرافیایی درگیر جنگ نبود. ما اگر این وحدت و هماهنگی را نداشتیم، قطعاً نمی‌توانستیم موفق شویم. با همه مشکلات و گرانی‌ها و مسائلی که وجود دارد، بالاخره این وسط شاید عده‌ای سوءاستفاده کردند یا ناآرامی‌هایی هم وجود داشته، ولی بالاخره کشور مسیرش را دارد پیش می‌برد. ما در همه حوزه‌های نظامی، معیشتی، ازراق و کالاهای اساسی، همه داریم تلاش می‌کنیم که مسیر جلو برود.

اگر این وحدت نبود، پیروزی اتفاق نمی‌افتاد. حالا بالاخره ممکن است یک جایی یک عزیزی نظری داشته باشد و یک کارشناس با یک فرقی آن‌را نظر نقد کند، اما در نهایت فرایند، فرآیند هماهنگی و همدلی و وحدت بوده است. البته من خدمت شما بگویم که ما واقعاً در جلسات خصوصی خودمان با هم، خیلی کارشناسی و خیلی جدی بحث می‌کنیم.

مجلس و دولت گاهی اوقات بالاخره با دستگاه‌های متولی امور نظامی و امنیتی، بحث‌های خیلی جدی و سنگین دارند. در نهایت، آن تصمیمی که اتخاذ می‌شود، همه هماهنگ هستند و به‌اصطلاح با یک وحدت پیش می‌روند.

• یادداشت •

دولت، موفق در میدان پشتیبانی از نیروهای مسلح

بود. جامعه ایران با وجود گلایه‌های به‌حق نسبت به تورم و مشکلات اقتصادی، به‌خوبی تشخیص داد که در شرایط جنگی، تقویت توان دفاعی کشور یک ضرورت ملی است. البته این به معنای نادیده گرفتن مشکلات معیشتی نیست. تورم همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم است؛ مسأله‌ای که ریشه‌های آن به سال‌های گذشته بازمی‌گردد و در این دولت نیز ادامه یافته است. اما آنچه اهمیت دارد این است که فشار تورم، به بحران تأمین کالا و نیازهای اساسی تبدیل نشد و دولت توانست میان حمایت از معیشت مردم و پشتیبانی از جبهه دفاعی کشور تعادل برقرار کند.

این همه در حالی است که بودجه سال ۱۴۰۵ اساساً برای شرایط مواجهه با چنین جنگ تحمیلی تمام عیاری طراحی نشده بود. هنگام تدوین و تصویب این بودجه، کشور در وضعیت عادی قرار داشت و کمتر کسی وقوع جنگی با این ابعاد و هزینه‌ها را پیش‌بینی می‌کرد. البته در بودجه، احتمال کاهش درآمدهای نفتی و آثار تحریم‌ها تا حدودی لحاظ شده بود، اما هزینه‌های ناشی از یک جنگ گسترده، از جمله تقویت تجهیزات و امکانات نیروهای مسلح، جبران خسارت‌های ناشی از حملات دشمن و بازسازی زیرساخت‌ها، در محاسبات بودجه‌ای پیش‌بینی نشده بود. با وجود این محدودیت‌ها، دولت توانست با استفاده از منابع موجود، پشتیبانی مؤثری از نیروهای مسلح به عمل آورد و نیازهای فوری کشور را تأمین کند. این عملکرد نشان می‌دهد که ظرفیت مدیریت بحران در ساختار اجرایی کشور، فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه بودجه عمل کرده است. اما ادامه این مسیر، نیازمند تصمیم‌های جدید است.

اکنون که کشور وارد مرحله‌ای متفاوت از مدیریت پیامدهای جنگ شده، ضروری است دولت با ارائه لایحه اصلاحی بودجه به مجلس، منابع مالی کشور را متناسب با شرایط جدید بازتنظیم کند. تقویت بنیه دفاعی، جبران خسارت‌ها، حمایت از تولید، حفظ معیشت مردم و استمرار خدمات عمومی، نیازمند بودجه‌ای است که بر مبنای واقعیت‌های پس از جنگ تدوین شود، نه بر اساس مفروضات دوران ثبات.

به هر روی، تجربه این روزها نشان داد که موفقیت در میدان تنها محصول توان نظامی نیست؛ بلکه نتیجه هم‌افزایی میان دولت، نیروهای مسلح و همراهی مردم است. حفظ این انسجام ملی، سرمایه‌ای است که می‌تواند کشور را از دشوارترین شرایط نیز با موفقیت عبور دهد.

سیدنجیب حسینی

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی



جنگ، تنها در میدان نبرد تعیین تکلیف نمی‌شود. تجربه دو جنگ تحمیلی اخیر نشان داد که دوام و موفقیت در برابر تهدیدهای خارجی، علاوه بر توان نظامی، به پشتوانه اقتصاد، انسجام مدیریتی و قدرت دولت در اداره کشور وابسته است. اگر نیروهای مسلح در خط مقدم از امنیت کشور دفاع می‌کنند، دولت نیز در پشت جبهه مسئولیت سنگین حفظ ثبات اقتصادی، تأمین نیازهای

مردم و پشتیبانی از توان دفاعی کشور را بر عهده دارد؛ مسئولیتی که در این مقطع، به‌خوبی ایفا شد. در روزهایی که بخش‌هایی از زیرساخت‌های کشور، بویژه در جنوب، هدف حملات دشمن قرار گرفت، مهم‌ترین نگرانی مردم، تأمین کالاهای اساسی، سوخت، حمل‌ونقل و خدمات عمومی بود. با این حال، برخلاف آنچه دشمن انتظار داشت، کشور با کمبود گسترده کالا یا اختلال جدی در زندگی روزمره مردم مواجه نشد. استمرار واردات کالاهای اساسی از بنادر، مدیریت شبکه توزیع، تأمین سوخت، رسیدگی به استان‌های مهاجرپذیر و مختلف خدمات عمومی، نتیجه هماهنگی میان بخش‌های

تشکیل کمیته‌های تخصصی در حوزه‌های اقتصادی، اعتباری، بودجه‌ای و تأمین کالاهای اساسی، زمینه‌ساز هم‌افزایی میان دستگاه‌های اجرایی شد. همین هماهنگی موجب شد که فشارهای ناشی از جنگ، هرچند بر زندگی مردم تأثیر گذاشت، اما به بحرانی در تأمین حداقل‌های معیشتی تبدیل نشود. دولت توانست مهم‌ترین وظیفه خود، حفظ امنیت اقتصادی و معیشتی جامعه را در شرایط دشوار جنگی دنبال کند. در کنار این مأموریت، دولت وظیفه مهم دیگری نیز بر عهده داشت؛ پشتیبانی هم‌زمان از نیروهای مسلح. تجربه این دوره نشان داد که میان نقش دولت و مسئولیت نیروهای نظامی، تفکیک روشنی وجود داشت. دولت با تمام ظرفیت از نیروهای مسلح حمایت مالی، لجستیکی و پشتیبانی کرد، اما در تصمیمات و امور تخصصی نظامی هیچ‌گونه دخالتی نداشت. این تقسیم کار، با حفظ استقلال فرماندهی نظامی، امکان بهره‌گیری حداکثری از توان اجرایی دولت را برای تأمین نیازهای جبهه فراهم ساخت.

البته در این میان نکته قابل توجهی که نباید فراموش کرد، همراهی و درک صحیح مردم از اولویت‌های کشور



شهید موسوی، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح بعد از جنگ ۱۲ روزه در مجلس گفتند با وجود قطعی بودن شروع مجدد جنگ، دستگاه دیپلماسی برای ما دارد وقت می‌گیرد و هریک روز وقتی جنگ ۱۲ روزه در مقیاس جغرافیایی درگیر، هشت تا ۹ کشور را دربرمی‌گرفت و در مقیاس جغرافیایی نیز وسعتش خیلی زیاد بود. حداقل ۱۰۰ سال اخیر چنین جنگی واقع نشده بود. حتی جنگ اعراب و اسرائیل نهایتاً این بود که مثلاً پنج، شش کشور را شامل می‌شد و چنین وسعت جغرافیایی درگیر جنگ نبود. ما اگر این وحدت و هماهنگی را نداشتیم، قطعاً نمی‌توانستیم موفق شویم. با همه مشکلات و گرانی‌ها و مسائلی که وجود دارد، بالاخره این وسط شاید عده‌ای سوءاستفاده کردند یا ناآرامی‌هایی هم وجود داشته، ولی بالاخره کشور مسیرش را دارد پیش می‌برد. ما در همه حوزه‌های نظامی، معیشتی، ازراق و کالاهای اساسی، همه داریم تلاش می‌کنیم که مسیر جلو برود.



تجربه این روزها نشان داد که موفقیت در میدان تنها محصول توان نظامی نیست؛ بلکه نتیجه هم‌افزایی میان دولت، نیروهای مسلح و همراهی مردم است.



عزت‌الله سحرابی
عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی

برخلاف برخی فضا سازی‌ها، در این مقطع هیچ‌گونه اختلاف یا تعارضی میان دولت، نیروهای مسلح و سایر ارکان نظام مشاهده نشد. آنچه در عمل دیده شد، وحدت، انسجام و همکاری کامل برای تأمین منابع ملی و اجرای رهنمودهای رهبر انقلاب بود. این همدلی، یکی از مهم‌ترین عوامل عبور موفق کشور از شرایط بحرانی به شمار می‌رود. البته این تجربه، مسئولیت‌های آینده را نیز روشن‌تر می‌کند. اگرچه وزارت دفاع و نیروهای مسلح، مسئول اجرای مأموریت‌های تخصصی خود هستند، اما فراهم کردن منابع مالی و اعتباری لازم، وظیفه‌ای است که دولت و مجلس باید با جدیت آن را دنبال کنند.

از سوی دیگر، عملکرد بدنه نیروهای مسلح در این دو جنگ نشان داد که جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت بازآرندگی قابل توجهی برخوردار است. توان موشکی و پهپادی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در پاسخ به تجاوز دشمن ایفا کرد و نشان داد که سرمایه‌گذاری‌های سال‌های گذشته در حوزه فناوری‌های دفاعی، امروز به یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های امنیت ملی تبدیل شده است. با این حال، تحولات منطقه و افزایش توان تسلیحاتی دشمنان و حامیان آنان، ایجاب می‌کند که روند تقویت نیروهای مسلح با شتاب بیشتری ادامه یابد.

واقعیت این است که رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی از بودجه‌های دفاعی بسیار گسترده و